



**موج نوی سینمای ایران  
به ملبورن رسید**

هفتادومین جشنواره فیلم ملبورن بخش ویژه‌ای را به «موج نوی سینمای ایران» بین سال‌های ۱۹۶۲ تا ۱۹۷۹ اختصاص داده که فیلم‌های هشت و آینه (ابراهیم گلستان)، درشکه‌چی (نصرت کریمی)، گلو (داریوش مهرجویی)، بن‌یست (پرویز صیاد)، گوزن‌ها (مسعود کیمیایی)، یک اتفاق ساده (سهراب شهیدثالث)، غریبه و مه (پهرام بیضایی)، سایه‌های بلند باد (بهمن فرمان‌آرا) و آرامش در حضور دیگران (ناصر تقوایی) نمایش داده می‌شوند. مستندهای ایران ۱۹۶۷-۱۹۶۱ نیز یک آتش (ابراهیم گلستان)، اون شب که بارون اومد (کامران شیردل) و خانه سیاه است (فروغ فرخزاد) روی پرده می‌روند. همچنین در برنامه کنون: از آموزشی تا شاعرانه ۱۹۷۷-۱۹۷۴ هم فیلم‌های دوره‌حل برای یک مسئله (عباس کیارستمی)، بزرگداشت معلم (عباس کیارستمی)، راه‌حل یک (عباس کیارستمی) و انتظار (امیر نادری) به‌نمایش گذاشته می‌شوند. هفتادومین جشنواره فیلم ملبورن از ۸ تا ۲۵ آگوست (۱۸ مردادماه تا ۴ شهریورماه) در استرالیا برگزار خواهد شد.



**ممنوع‌التصویری باران کوثری**

جهانگیر کوثری، تهیه‌کننده سینما دلیل اکران نشدن فیلم «رگ‌های آبی» را به خاطر «ممنوع‌التصویر» بودن دخترش باران کوثری اعلام کرده است. این فیلم که ساخته جهانگیر کوثری است، داستانش از این قرار است که ستاره پستیانی، کارگردانی است که قصد دارد مستندی درباره فروغ فرخزاد بسازد. او برای انتخاب بازیگر نقش فروغ، از چند نفر تست گرم و بازیگری می‌گیرد و نهایتاً به باران کوثری می‌رسد. باران کوثری گرم می‌شود تا نقش فروغ را در این مستند بازی کند. آقای کوثری گفت: «باران کوثری امروز علاوه‌بر ممنوع‌التصویری، ممنوع‌الپوستری و ممنوع‌الخروج هم هست و به همین دلیل شخصاً فیلم را به جشنواره تورنتو بردم و آنجا فیلم را اکران کردیم. با وجود همه این محدودیت‌ها فیلم را هم در آینده اکران خواهیم کرد.»



**داوران جشنواره فیلم ونیز ۲۰۲۴ معرفی شدند**

ایزابل هوبر، بازیگر فرانسوی که ریاست هیئت‌داوران جشنواره بین‌المللی فیلم ونیز ۲۰۲۴ را بر عهده دارد، در کنار گروهی قوی که بیشتر متشکل از کارگردان‌های برجسته هستند، به انتخاب برترین‌ها می‌پردازد. کارگردان‌هایی که برای انجام این کار انتخاب شده‌اند عبارتند از: جیمز گری کارگردان آمریکایی سازنده «به‌سوی ستارگان»، اندرو هیگ کارگردان انگلیسی سازنده «همه‌ما غریبه‌ها»، آگنیشکا هالاند کارگردان لهستانی سازنده «مرز سبز»، کلبر مندونسافیلو کارگردان پرتغالی، عبدالرحمان سیساکو کارگردان موریتانیایی، جوزپه تورناتوره کارگردان ایتالیایی برنده اسکار ۱۹۸۸ برای «سینما پارادیزو» و پولیا فون هاینس کارگردان آلمانی سازنده «گنج». این گروه با همراهی ژانگ‌زییی، بازیگر فیلم‌های «خاطرات یک گنیشا» و «بیر خیزان، ازدهای پنهان» به انتخاب بهترین فیلم‌های مسال می‌پردازد. هیئت‌داوران علاوه بر اعطای شیر طلایی بهترین فیلم، مسئولیت اعطای جایزه شیر نقره‌ای هیئت‌داوران، شیر نقره‌ای بهترین کارگردانی، جوایز بهترین بازیگر زن و مرد، جایزه ویژه هیئت‌داوران، بهترین فیلمنامه و جایزه مارچلوماسترویانی برای بازیگر نوظهور را نیز برعهده خواهند داشت.

# حسین (ع) چاره‌ای جز قیام‌نداشت

مروری بر روایت متکی بر  
جامعه‌شناسی سیاسی و تاریخی  
داود فیرحی از واقعه عاشورا

کتاب، جماران



که آن را عالی‌ترین تز خود می‌شمرد و آن این بود که از منبر مدینه بالا رفت و در حالی که شمشیر خود را از غلاف بیرون کشیده بود به مردم گفت: من با رضایت شما بر سر کار نیامده‌ام، بلکه به یاری این شمشیر بر آریکه قدرت نشسته‌ام؛ لذا با شما معامله‌ای می‌کنم و آن اینکه به شما (مخصوصاً عرب مدینه منوره) قول می‌دهم امنیت‌تان را حفظ و رفاه‌تان را تأمین کنم و از شما خواسته‌ای دارم که هر چه می‌خواهید بگویید، اما درباره خلافت سخنی به زبان نیاورید.» از نظر فیرحی این سخن دو معنای همزمان دارد: سکوت سیاسی و رفاه اقتصادی؛ امری که «اکثر دولت‌های امروزی هم در جای جای دنیا چنین رفتار می‌کنند.»

**اختلافات کوفیان و شامیان**

در کنار عامل بسیار مهم تبدیل خلافت به سلطنت، یکی دیگر از عوامل موثر در رویکرد جامعه‌شناسی تاریخی رقابت‌هایی است که میان کوفیان و شامیان یا اعراب جنوبی و اعراب شمالی وجود داشت. مردم کوفه از زمان جنگ‌های ارتداد (۱۱ هجری) و از بخش‌های جنوبی شبه‌جزیره و یمین به کوفه مهاجرت کرده بودند. بعدتر آنها البته در جنگ‌های اعراب با ایرانیان، با شامیان متحد شدند و جنگیدند. در دوره خلافت عثمان اما نارضایتی در اهالی کوفه بالا گرفت. دلیل عمده این نارضایتی این بود که عثمان رفته‌رفته تمام مناطق این شهر و زمین‌هایی را که جزء اموال امام و خلیفه و بیت‌المال بود، خصوصی اعلام کرد و بخش عمده آنها را به قریش فروخت. بخشی را نیز خود خرید. با این روند مهاجران کوفه به مستاجران قریش تبدیل شدند و بدین ترتیب شورش‌هایی نیز در گرفت که عثمان با تکیه بر بنی‌امیه آنها را سرکوب کرد. با این تفاسیر کوفه در حمایت از علی(ع)، پناهی برای رسیدن به حقوق خود نیز می‌دید. این روند حق‌خواهی کوفیان از دوران عثمان تا شهادت امام حسن مجتبی(ع) ادامه یافت اما در عمل به ثمر نرسید. در جنگ‌های سه‌گانه حضرت علی (جمل، صفین و نهروان) قریب به ۲۵ هزار نفر از کوفیان و ۴۵ هزار نفر از شامیان کشته شدند اما در نهایت گوئی در سال ۴۱ کوفیان شکست از شام و معاویه و شکل‌گیری موازنه جدید قدرت مبتنی بر سلطنت اسلامی را پذیرفتند.

**رقابت‌های درونی بنی‌امیه**

این البته تمام ماجرا نیست. جدا از این نبردهای بیرونی، واقعیت تاریخی نشان می‌دهد که در درون نیروهای اموی نیز رقابت‌هایی جدی در میان است. لشکر علی را بیشتر اهالی کوفه و انصار تشکیل می‌داد. در برابر سپاه شامیان از قریشیان تشکیل می‌شد که عصبیت، پیوستگی و ثروت قابل‌توجهی داشتند. شامیان در مقابل کوفیان متحد و منسجم بودند اما در درون خود می‌توان

راشیدین پایان می‌یابد و سپس با استعفا یا انزوا امام حسن، شکل نوینی از دولت ایجاد می‌شود. از نظر اهل سنت این سال شباهتی دارد با سال ۱۱ هجری که پس از رحلت پیامبر، جامعه اسلامی دچار فروپاشی وسیع شده بود اما با خلافت ابوبکر این دوران فتنه‌انگیز به پایان رسید و شکلی از دولت منسجم ایجاد شد که در عمل ۳۰ سال استوار باقی ماند. بنا به چنین تفسیری، اهالی شام و دولت معاویه نیز، سال ۴۱ هجری را «عام‌الجماعه» می‌نامیدند. در مقابل بسیاری از مردم کوفه و شخصیت‌های مستقل حجاز این سال را «عام‌السلطنه» یعنی سال پیدایش پادشاهی در جهان اسلام می‌دانند. از نظر آنها قدرت‌گیری معاویه آغاز روند تبدیل خلافت به پادشاهی است. سال ۶۴ نیز سال پایان این سناریو است. در این سال نوه معاویه، معاویه دوم از خلافت استعفا می‌دهد و بدین ترتیب قدرت در خاندان بنی‌امیه از شاخه بنی‌معاویه به شاخه بنی‌مروان انتقال پیدا می‌کند.

**تفاوت‌های خلافت و پادشاهی**

به‌زعم فیرحی اما خلافت با پادشاهی دو تفاوت عمده دارد. اول اینکه بیعت در خلافت بیعت انشائی است، نه بیعت تأییدی. سلطنت اما مبتنی بر سلطه و قدرت و نظامی‌گری است. دومین تفاوت آنکه در خلافت خلیفه از ثروت برخوردار نیست بلکه بیشتر توزیع‌کننده ثروت است؛ چیزی شبیه آنچه امروزه در دولت‌های رانتیر دیده می‌شود. در پادشاهی اما شخص حاکم و دولتمردان هستند که ثروتمند می‌شوند. او برای نمونه به زندگی عمر و علی(ع) استناد می‌کند. عمر از شدت بدهی از دست مأمور بیت‌المال پنهان می‌شد و علی انسانی بسیار ساده‌زیست بود. با چنین مقدماتی فیرحی نتیجه می‌گیرد که در دولت معاویه برای نخستین‌بار شاهد احیای میراث ساسانی هستیم. او در این زمینه به یک تصمیم مهم معاویه در حوزه اقتصاد سیاسی نیز اشاره می‌کند. ساسانیان دو منبع درآمد داشتند که یکی از آنها «خالصه سلطانی» نام داشت و شامل زمین‌های مرغوبی بود که درآمدشان به‌طور مستقیم به خزانه سلطان می‌رفت و سلطان بنا به صلاح‌دید خود آنها را خرج می‌کرد. برای نمونه مخارج دربار و نظامیان از این طریق حاصل می‌شد. در دوران خلفای راشدین اما دولت اسلامی که در واقع در شخص خلیفه متجلی می‌شد، نمی‌توانست اموال اسلامی شامل زکات، خمس، جزیه، کفارات و ذکورات را بنا به میل خود مصرف کند. معاویه در این زمینه هم از سنت خلفای پیشین اعراض کرد و در عوض روش ساسانیان را در پیش گرفت. همین امر او را در تضمین مخالفان و حمایت از موافقان توانا ساخت و به او این امکان را بخشید که ارتش شام را تجهیز کند: «معاویه تری داشت



فرزاد نعمتی

خبرنگار گروه فرهنگ

کتاب «عاشورا؛ فساد و اصلاح»، مجموعه ۹ سخنرانی مرحوم داود فیرحی، استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران بین سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۹ است که عناوین آن عبارتند از: «جامعه‌شناسی سیاسی حادثه عاشورا»، «عاشورا و اخلاق مقاومت»، «تحلیل مسئله عاشورا از چشم‌انداز بیعت و رأی»، «عاشورا و مسئله بیعت»، «عاشورا و بحران خلافت»، «عاشورا ۶۱ هجری و آستانه سرنوشت»، «عاشورا و مفهوم اصلاح؛ بازگشت به بنیادگذار» و «عاشورا و سنت خلافت».

فیرحی در این کتاب می‌کوشد درکی جامعه‌شناسانه از واقعه کربلا و علل و عوامل مؤثر در وقوع آن به دست بدهد. او در سخنرانی «جامعه‌شناسی سیاسی حادثه عاشورا» در تحلیل راه‌های مطالعه این رخداد نخست روش‌های رایج را بررسی می‌کند، سپس به روش مورد علاقه خود در این سخنرانی‌ها که همان روش جامعه‌شناسی سیاسی و تاریخی است، اشاره می‌کند. یک راه مطالعه عاشورا مطالعه متن‌محور آن است. در این روش بدون آنکه توجه چندانی به تاریخ شود، واقعه عاشورا از زبان حاضران و از خلال آثار و ادبیاتی که از شهادی کربلا به‌خصوص حسین بن‌علی(ع) بر جای مانده است، روایت می‌شود. روش دوم، روش کاملاً سنتی دنبال کردن حوادث عاشورا از زبان روایان است. این روایان یعنی کسانی که در آن جریان حضور داشتند، البته شامل روایان هر دو گروه می‌شود؛ چه کسانی که در لشکر یزید بودند و چه کسانی که با امام همراهی داشتند.

فیرحی اما در کنار این دو روش، روش خود را جامعه‌شناسی سیاسی و جامعه‌شناسی تاریخی می‌نامد. در جامعه‌شناسی سیاسی روابط نیروهای سیاسی و شکل‌گیری زمینه و بستر واقعه کربلا در متن این روابط اهمیت پیدا می‌کند. در جامعه‌شناسی تاریخی این روابط و مناسبات در بستر تاریخی خود و با عطف توجه به ساختارهای اجتماعی، تاریخی و سنن فرهنگی مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

**عام‌الجماعه و استقرار نظم جدید سیاسی**

از نظر فیرحی در این چشم‌انداز تاریخی سال‌های ۴۱ تا ۶۴ هجری از اهمیت اساسی برخوردار است. سال ۴۱ هجری سالی است که در بیان اهل سنت، «عام‌الجماعه» نامیده می‌شود؛ یعنی سالی که امام علی(ع) به شهادت می‌رسد و بدین ترتیب دوران خلفای

